

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: 99/04/29

موضوع: خدشه جاهلانه، بر گوهر گرانمایه «زیارت جامعه کبیره»!

(برنامه حبل المتین)

فهرست مطالب این سخنرانی:

آیا شیعیان، صحابه پیامبر را کافر می‌دانند!؟

وضعیت غمبار صحابه در قیامت به تصریح «صحيح بخاری»!

روایتی درباره صحابه که شاید نشنیده باشید!!

خدشه جاهلانه، بر گوهر گرانمایه «زیارت جامعه کبیره»!

حلاوت، معنویت و لذت غیر قابل وصف، در «زیارت جامعه کبیره»

نمی‌توانیم قبول کنیم که حق فقط با «علی بن ابیطالب» است!!

چرا ائمه جمعه اهل سنت این روایات را در خطبه‌ها مطرح نمی‌کنند؟

مقایسه احادیث صحاح سنّه اهل سنت با کتب اربعه شیعه!

مقایسه اعتبار سنّت پیامبر در مکتب اهل بیت و مکتب سقیفه!

مجری:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و العصر ان الانسان لفي خسر الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر صدق الله العلي العظيم

با نام و یاد خدا و با سلام و درود بر پیامبر مطهر اسلام حضرت محمد مصطفی و خاندان پاک ایشان، خدمت یکایک شما عزیزان، خواهران و برادران گرامی و همراهان بیننده «شبکه جهانی ولی عصر» عرض سلام و ادب و احترام و آرزوی توفیق روزافزون داریم.

ما با برنامه «حبل المتین» در خدمت کارشناس محترم و استاد گرانقدرمان حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی خواهیم بود و با ایشان مباحثی را مطرح خواهیم کرد.

در وقت مقتضی تماس‌های ما و پل‌های ارتباطی ما با شما باز خواهد شد. تلفن‌ها زیرنویس خواهد شد و ان شاءالله شما تماس بگیرید و سؤالاتتان را مطرح کنید.

ابتدای برنامه عرض سلام و ادب خدمت استاد گرانقدرمان داشته باشم و ان شاءالله در خدمت ایشان باشیم. سلام علیکم استاد، به برنامه خودتان خیلی خوش آمدید:

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز که این برنامه را مشاهده می‌کنند یا تکرار و کلیپ‌های برنامه را می‌بینند خالصانه‌ترین سلام را تقدیم می‌کنم و موفقیت روزافزون را برای همه عزیزان از خدای منان خواهانم.

مجری:

ان شاءالله که خداوند متعال بر توفیقات شما و همه بینندگان عزیز بیفزاید. ان شاءالله بتوانیم ساعت خوبی را در خدمت شما باشیم، از محضر حضرتعالی استفاده کنیم و همچنین ساعت خوبی را برای بینندگان ایجاد کنیم. ما خوشحال هستیم که در خدمت شما هستیم، به این افتخار می‌کنیم و از خداوند متعال می‌خواهیم که بتوانیم در این فرصت‌ها، با طرح مباحث مفید، به علم ما و بینندگان عزیز اضافه شود و حتماً با عنایت امام زمان این اتفاق خواهد افتاد.

حضرت استاد! من زیاد وقت شما را نگیرم. ما در جلسه قبل بحثی را مطرح کردیم مبنی بر اینکه تنها راه شناخت خدا و معرفت به خدا، اهل بیت (علیهم السلام) هستند و شیعه هم به این قضیه معتقد است. شما این مسئله را بسیار خوب بیان کردید و ان شاءالله برای بینندگان هم اگر نقاط مبهمی مانده بود، رفع شده باشد.

بحثی بود که فرمودید یکی از عزیزان اهل سنت، تعلیقی به مباحث شما داشت که شما در آنجایی که حدیث «وَتَفْتَرِقُ أُمَّتِي» را مطرح کردید، عبارت «مَا أَنَا عَلَيْهِ وَأَصْحَابِي» از قول پیغمبر اکرم را حذف کردید. بحث این قضیه گذشت، اما تعلیق آن ماند و شما می‌خواستید آن را بیان کنید. این مبحث را تکمیل کنید، سپس ان شاءالله بحث امروز را آغاز می‌کنیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله أفضو أمرى إلى الله إن الله بصير بالعباد حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير

بحث حدیث افتراق امت - که اشاره کردید - یکی از بحث‌های اساسی است که نبی گرامی اسلام در احادیث مختلف و صحیح بیان فرمودند: امت من، بعد از من، به هفتاد و سه فرقه تقسیم می‌شوند. یک فرقه اهل نجات هست و الباقی، همه در آتش جهنم هستند.

آیا شیعیان، صحابه پیامبر را کافر می‌دانند!؟

آقایان در بعضی از روایات مشاهده می‌کنند که آمده است: فرقه ناجیه چه کسانی هستند:

«قال ما أنا عليه وَأَصْحَابِي»

حضرت فرمودند: فرقه‌ای که بر روش من و اصحاب من عمل می‌کنند.

صحیح سنن الترمذی، اسم المؤلف: محمد بن عیسیٰ أبو عیسیٰ الترمذی السلمی، دار النشر: دار إحياء

التراث العربی - بیروت -، تحقیق: أحمد محمد شاکر وآخرون، ج 5، ص 26، ح 2641

عزیزان عمدتاً این روایت را ملاک قرار می‌دهند. همچنین در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» اثر «حاکم نیشابوری» هم می‌بینیم در جلد اول صفحه 218 وارد شده است:

«وتفترق أمتی علی ثلاث وسبعین ملة كلها فی النار إلا ملة واحدة»

ملت من به هفتاد و سه فرقه تقسیم می‌شوند که همه آنها در آتش هستند، الا یک فرقه.

«فقیل له ما الواحدة»

اصحاب پرسیدند: فرقه اهل نجات چه کسانی هستند؟

«قال ما أنا عليه اليوم وَأَصْحَابِي»

حضرت فرمود: فرقه‌ای که امروز من و اصحابم بر آن هستیم.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر:
دار الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج
1، ص 218، ح 444

به فرموده پیغمبر اکرم فرقه‌ای که امروز با عقیده من و اصحاب من همخوانی داشته باشد، اهل نجات است.
کلمه «الیوم» یک دنیا مطلب دارد. آقایان از این نکته غفلت دارند.

حضرت فرمودند «ما أنا علیه الیوم وأصحابی»، این روایت تمام روایات را مقید می‌کند. این قضیه خود نشانگر
این است که اصحاب زمان رسول اکرم با اصحاب بعد از آن بزرگوار فرق دارند!!

حضرت فرمودند: «ما أنا علیه الیوم وأصحابی» و فرمودند «ما أنا علیه الیوم بعدی و اصحابی»!!

بنده بارها گفتم یکی از اختلافات اساسی که ما با آقایان اهل سنت و وهابیت داریم، بحث «اصحاب» و
«اهلیت» است.

ما طبق حدیث «ثقلین»، «خلیفتین» و صدها روایات دیگر، بر این عقیده هستیم که رسول اکرم فرمودند: من
کتاب و اهلیتیم را در میان شما گذاشتم. حضرت فرمودند کتاب و اصحابم را در میان شما گذاشتم!
علاوه بر این، بر فرض اگر حضرت «و اصحابم» را هم گفته باشند، ما می‌خواهیم در سایه سار اصحاب برویم و
نجات پیدا کنیم.

ما می‌خواهیم ببینیم واقعاً آقایان اهل سنت در رابطه با اصحاب بعد از پیغمبر اکرم چه نظریاتی دارند. آیا واقعاً
اصحاب بعد از پیغمبر اکرم با اصحاب عصر رسول الله یکی هستند؟

اولاً عزیزان این را بدانند اینکه در شبکه‌های وهابی ادعا می‌کنند شیعیان صحابه را کافر می‌دانند، همگی
حرف‌های افتراست.

ما اصحاب را به دو دسته تقسیم می‌کنیم؛ اصحاب متدین و مؤمن و مطیع الله که همگی اهل بهشت هستند. و دسته دوم، اصحابی که مخالف دستور الهی و دستور پیغمبر اکرم عمل کردند و اهل جهنم هستند.

حضرت امام زین العابدین (سلام الله علیه) فرمود:

«خَلَقَ اللَّهُ الْجَنَّةَ لِمَنْ أَطَاعَهُ وَ أَحْسَنَ وَ لَوْ كَانَ عَبْدًا حَبَشِيًّا وَ خَلَقَ النَّارَ لِمَنْ عَصَاهُ وَ لَوْ كَانَ وَلَدًا فُرْشِيًّا»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 46،

ص 82، ج 75

فرزند پیغمبر اکرم هم باشد، وقتی عصیان کرد، فرزند پیغمبر بودن مانع انحراف نمی‌شود چه رسد به اینکه صحابه بودن مانع انحراف باشد!

وضعیت غمبار صحابه در قیامت به تصریح «صحيح بخاری»!

علاوه بر این در کتاب «صحيح بخاری» روایتی در این خصوص وارد شده است. ما بارها سؤال کردیم و علمای اهل سنت و وهابیت باید به ما جواب بدهند.

رسول اکرم این روایت وضعیت اصحاب در قیامت را در حدیث غدیر مطرح کرده است، در قضیه خطبه منا مطرح کرده است، در عرفه مطرح کرده است، در کنار مسجد خیف و چندین جای دیگر این مباحث مطرح شده است.

حضرت سفارش کردند و فرمودند که بعد از من همدیگر را تکفیر نکنید که ما با این مطالب کاری نداریم. ما هستیم و کتاب «صحيح بخاری»! ببینید کتاب «صحيح بخاری» حداقل ده الی دوازده روایت در این زمینه آورده است. پیغمبر اکرم فرمود:

«لَيَرِدَنَّ عَلَى نَاسٍ مِنْ أَصْحَابِي الْخَوْضَ حَتَّى عَرَفْتَهُمْ اخْتَلَجُوا دُونِي»

تعدادی از اصحاب من در حوض کنار من می‌آیند که من آنها را می‌شناسم، اما ملائکه مانع آمدن آنها به طرف حوض می‌شوند.

«فَأَقُولُ أَصِحَابِي»

من می‌گویم: آنها صحابه من هستند.

«فَيَقُولُ لَا تَذَرِي مَا أَخَذْتُوَا بَعْدَكَ»

خداوند متعال می‌فرماید: نمی‌دانی آنها بعد از تو چه بدعت‌ها بنیانگذاری کردند.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 5، ص 2406، ح 6211

حدیث‌های بعد هم همین قضیه نقل شده است و آمده است:

«إِنَّكَ لَا تَذَرِي مَا أَخَذْتُوَا بَعْدَكَ»

آنها بدعت‌هایی بعد از تو گذاشتند.

مشاهده کنید معنای کلمه «بَعْدَكَ» چیست. بعد فرمود:

«فَأَقُولُ سُخْفًا سُخْفًا لِمَنْ غَيْرِ بَعْدِي»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 5، ص 2406، ح 6212

در حدیث بعد آمده است:

«بَيْنَا أَنَا نَائِمٌ إِذَا زُمِرَةٌ حَتَّى إِذَا عَرَفْتُهُمْ»

هنگامی که من در کنار حوض کوثر ایستاده‌ام گروهی را می‌آورند. وقتی آنها را شناختم آمدند کنار من تا از دست من آب کوثر بنوشند.

«خَرَجَ رَجُلٌ مِنْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَقَالَ هَلُمَّ»

مردی از میان من و آنها خارج می‌شود و به این گروه می‌گوید: بیایید برویم.

«فَقُلْتُ أَيْنَ»

پرسیدم: آنها را کجا می‌برید؟

«قَالَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهِ»

او قسم جلاله می‌خورد که اینها را به سوی جهنم می‌بریم.

«قُلْتُ وَمَا سَأَلْتُهُمْ»

پرسیدم: چرا؟ آنها چه کردند؟

«قَالَ إِنَّهُمْ ارْتَدُّوا بَعْدَكَ عَلَى أَدْبَارِهِمُ الْقَهْقَرَى»

او می‌گوید: آنها بعد از تو به دوران قهقری زمان جاهلیت برگشتند.

این دیگر کتاب «کافی» نیست که آقایان اشکال کنند. روایت هم روایت ضعیف نیست که شبکه‌های وهابی ادعا کنند که آقایان همیشه همانند مگس روی احادیث کثیف ما می‌نشینند؛ بلکه صحیح بخاری هست!! حضرت در ادامه می‌فرماید:

«فلا أراه يخلص منهم إلا مثل همل النعم»

اصحاب من از آتش جهنم خلاص نمی‌شوند، مگر تعداد اندکی.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار

ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 5، ص

2407، ح 6215

این روایت از کتاب «صحيح بخاری» است. وقتی صحابه خود نمی‌تواند مایه نجات خود باشد، آیا می‌خواهد مرا را نجات دهد تا من در سایه سار او بروم؟ این مطالب کاملاً واضح و روشن است.

روایتی درباره صحابه که شاید نشنیده باشید!!

جالب اینجاست که در کتاب «صحيح بخاری» روایتی آمده است که شاید عزیزان آن را از من نشنیده باشند. «حذیفه» می‌گوید:

«إِنَّ الْمُنَافِقِينَ الْيَوْمَ شَرُّ مَنْهُمْ عَلَى عَهْدِ النَّبِيِّ»

شَرُّ منافقین امروز بیشتر از منافقین در زمان پیغمبر اکرم است.

در مصر یکی از علمای الأزهر کتابی تحت عنوان «النفاق و المنافقون فی القرآن» نوشته و ثابت کرده است که یک سوم آیات قرآن کریم در رابطه با منافقین است.

«حذیفه» که منافق شناس است، می‌گوید: منافقین بعد از پیغمبر از منافقین زمان پیغمبر اکرم شَرِّشان بیشتر است.

«كأنوا يومئذ يسرون ويبهرون»

آن زمان نفاق خود را مخفی می‌کردند و امروز نفاقشان را آشکار کردند.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 6، ص 2604، ح 6696

این دیگر کتاب ما نیست، بلکه کتاب «صحيح بخارى» معتبرترین کتب اهل سنت است. در روایت بعدی «حذیفه» می‌گوید:

«إِنَّمَا كَانَ التَّفَاقُ عَلَى عَهْدِ النَّبِيِّ فَأَمَّا الْيَوْمَ فَإِنَّمَا هُوَ الْكُفْرُ بَعْدَ الْإِيمَانِ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 6، ص 2604، ح 6697

این روایت را هم ما می‌گوییم؟ این هم روایت شیعه است؟ این روایت را هم «کلینی» و «شیخ طوسی» و «استرآبادی» بیان کرده است؟ این روایت «صحيح بخارى» است. او می‌گوید: امروز کفر بعد از ایمان است. آقایان خودشان این روایت را معنا کنند که می‌گوید: «فَإِنَّمَا هُوَ الْكُفْرُ بَعْدَ الْإِيمَانِ»!!

منافقینی که خداوند عالم در قرآن کریم به صراحت می‌گوید:

(وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ)

و از (میان) اعراب بادیه‌نشینی که اطراف شما هستند جمعی از منافقانند و از اهل (خود) مدینه (نیز) گروهی سخت به نفاق پای بندند که آنها را نمی‌شناسی و ما آنها را می‌شناسیم، به زودی آنها را دو باره

مجازات می‌کنیم (مجازات‌ی به وسیله رسوایی اجتماعی، و مجازاتی به هنگام مرگ) سپس به سوی مجازات بزرگی (در قیامت) فرستاده می‌شوند.

سوره توبه (9): آیه 101

قرآن کریم خطاب به پیغمبر اکرم می‌فرماید: منافقینی هستند که تو هم آنها را نمی‌شناسی، مدینه و اطراف مدینه را فرا گرفته‌اند.

هزار نفر صحابه‌ای که در جنگ احد برای جنگ می‌رفتند و با تحریک «عبدالله بن اَبی» سصد نفر به مدینه برگشتند، آیا شیعه بودند یا منافقین بودند؟

«ما أنا عليه اليوم وأصحابی» به همین معناست! من از آقایان اهل سنت، جوانان اهل سنت، روحانیون و طلبه‌های اهل سنت تقاضا دارم قدری بدون تعصب بحث صحابه بعد از پیغمبر اکرم را بررسی کنند.

بنده تقاضا دارم عزیزان اهل سنت، صحابه عصر پیغمبر اکرم را بررسی کنند و ببینند که آنها چقدر مطیع رسول الله بودند. کسانی که گفتند:

« إِنَّ النَّبِيَّ غَلَبَهُ الْوَجَعُ »

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار

ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 1، ص

54، ح 114

چه کسانی بودند؟ آیا مسیحیان و یهودی‌ها بودند؟ کسانی که در قضیه حجة الوداع خون به دل پیغمبر اکرم کردند و حاضر نبودند از احرام بیرون بیایند، یهود و نصاری بودند؟

« قَالَ جَابِرٌ فَقَدِمَ النَّبِيَّ صُبْحَ رَابِعَةٍ مَضَتْ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ فَأَمَرَنَا أَنْ نَحِلَّ قَالَ عَطَاءٌ قَالَ جَلُّوا وَأَصِيبُوا
النِّسَاءَ قَالَ عَطَاءٌ وَلَمْ يَغْزِمُ عَلَيْهِمْ وَلَكِنْ أَحَلَّهُنَّ لَهُمْ فَقُلْنَا لَمَّا لَمْ يَكُنْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ عَرَفَةَ إِلَّا خَمْسُ أَمْرًا أَنْ
نُفْضِيَ إِلَى نِسَائِنَا فَنَأْتِيَ عَرَفَةَ تَقْطُرُ مَذَاكِيرَنَا الْمَنِيِّ»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 2، ص 883، ح 1216

به طور کلی اگر اهل سنت «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» را بخوانند، قضیه روشن است. والله ما دلمان
برای این افراد می‌سوزد.

اگر این افراد به بهشت بروند چیزی به ما اضافه نمی‌شود یا اگر به جهنم بروند چیزی از ما کسر نمی‌شود. حال
اگر با یک انسان شیعه یا سنی اتمام حجت شود و با علم و تحقیق مسیر را ادامه دهد، خودش به سعادت
می‌رسد.

ما صد بار که دنیا نیامدیم؛ ما یک بار به دنیا آمدیم و یک بار هم از دنیا خواهیم رفت. وقتی که زمان مرگ ما
فرارسید، هرچه اصرار کنیم و بگوییم:

(رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ)

پروردگار من! مرا باز گردانید شاید در آنچه ترک کردم (و کوتاهی نمودم) عمل صالحی انجام دهم.

سوره مؤمنون (23): آیات 99 و 100

فایده‌ای ندارد. الآن فرصت دارم که بنشینم و تحقیق و بررسی کنم. فرمود:

(فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ)

بنا بر این بندگان مرا بشارت ده کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند.

سوره زمر (39): آیات 17 و 18

از فرصت استفاده و تحقیق کنند و تعصب را کنار بگذارند. ما هم از شیعیان و هم از اهل سنت می‌خواهیم که تحقیق و بررسی کنند و ببینند واقعاً این صحابه و اهل بیت بعد از پیغمبر اکرم چه مسیری را انتخاب کردند.

خدایی که اهل بیت معرفی کرده است، خدایی که صحابه معرفی کرده است، پیغمبری که اهل بیت معرفی کرده است، پیغمبری که صحابه معرفی کردند، معاد و توحید را با همدیگر مقایسه کنند. مقایسه کردن که زحمت ندارد. آن‌ها را در دو کفه بگذارند.

حال ما در خصوص اعتقادات از دیدگاه اهل بیت و اعتقادات از دیدگاه غیر اهل بیت، مفصل حرف‌هایی تازه و نو خواهیم زد.

امیدواریم این مطالب هم برای عزیزان شیعه نو و تازه و مایه افتخارشان باشد. هم برای بعضی از عزیزانی که با نظر بدبینی به شیعه نگاه می‌کنند، بدبینی را کنار بگذارند و سرمنشأ تحقیق و بررسی باشد. من در خدمت حضرتعالی هستم.

مجری:

حاج آقا خیلی ممنون، استفاده کردیم. ما بحثی را می‌خواستیم آغاز کنیم که در این بحث تقریباً رویکرد جدیدی است، هرچند در فاز عقاید است.

شبکه‌های وهابی که مرتب به «زیارت جامعه کبیره» خدشه وارد می‌کنند، دنبال چه هستند و چه می‌گویند؟! خلاصه‌ای در این خصوص برای ما بیان کنید، سپس سؤالات را به صورت ریز بیان می‌کنیم.

خدشه جاهلانه، بر گوهر گرانمایه «زیارت جامعه کبیره»!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با «زیارت جامعه کبیره» اولاً من به همه عزیزان عرض کنم که این زیارت، شاید تنها زیارتی است که در حرم همه ائمه اطهار خوانده می‌شود.

«زیارت جامعه کبیره» در حرم حضرت امیرالمؤمنین، امام حسن، امام حسین، امام رضا، امام کاظم و سایر حرم‌های ائمه اطهار خوانده می‌شود.

این زیارت مخصوص دوازده امام است و تنها به یکی از معصومین بزرگوار اختصاص ندارد. این زیارت را می‌شود در حرم حضرت امیرالمؤمنین تا محضر حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) خواند.

«زیارت جامعه کبیره» یک دوره عقاید ناب و خالص شیعه است. هرکدام از آقایان برای مناظره حاضر هستند، بنده حاضر روی تک تک فقرات جامعه کبیره با این افراد مناظره کنم و بحث علمی دوستانه داشته باشیم.

من تک تک فقرات آنها را از کتب اهل سنت با سندهای صحیح برایشان نشان بدهم. حال اینکه این آقایان جاهل هستند، نمی‌دانند یا در جریان نیستند گناه ما چیست؟!

در شبکه‌های معاند یا بعضی افراد کوردل همانند «کدیور» یا «سروش» که به غرب رفتند و ورشکستگان سیاسی هستند و هیچ چیز دیگری ندارند، شروع به خدشه وارد کردن به زیارت جامعه کبیره می‌کنند.

اولاً «زیارت جامعه کبیره» در کتب اربعه ما آمده است و چیزی نیست که تنها در مفاتیح آمده باشد. در کتاب «من لا یحضره الفقیه» آمده که یکی از کتب اربعه است و اثر «شیخ صدوق» متوفای 381 هجری است.

ایشان در جلد دوم صفحه 385 باب «[زِيَارَةُ جَامِعَةِ لِجَمِيعِ الْأَيِّمَةِ ع](#)» این زیارت را آورده است. حال اینکه آقایان ادعا می‌کنند این زیارت را «مفاتیح الجنان» اثر «شیخ عباس قمی» آورده است، دلیل بر این است که این افراد بی سواد هستند.

بازهم در کتاب «تهذیب الأحكام» که یکی دیگر از کتب اربعه ماست و اثر «شیخ طوسی» متوفای 460 هجری این زیارت آمده است. ایشان در جلد 6 صفحه 95 با عنوان «بَابُ زِيَارَةِ جَامِعَةِ لِسَائِرِ الْمَشَاهِدِ عَلَى أَصْحَابِهَا السَّلَام» این زیارت را آورده است.

همچنین در کتاب «عیون أخبار الرضا» که متعلق به «شیخ صدوق» است، در جلد دوم صفحه 305 این زیارت آمده است.

بنده این چند کتاب را به صورت نمونه آوردم. اولاً «زیارت جامعه کبیره» در کتب اربعه ما شیعیان آمده است و مخالفین به سراغ «مفاتیح الجنان» کتاب «شیخ عباس قمی» نروند.

این روش هم یکی از شیطنت‌های وهابیت است. آن‌ها سواد ندارند و نمی‌توانند، اما الآن راحت است. آن‌ها می‌توانند فقرات «زیارت جامعه کبیره» را جستجو کنند و ببینند در کتب شیعه قبل از قرن چهارم و پنجم چقدر این روایت از امام هادی (علیه السلام) نقل شده است.

نکته دیگر این است که از نظر سندی صددرصد صحیح است. مرحوم «محمد تقی مجلسی» پدر «علامه مجلسی» در کتاب «روضه المتقین» وقتی به این زیارت می‌رسد، می‌گوید:

«لا شك لی أن هذه الزيارة من أبي الحسن الهادي سلام الله عليه»

هیچ شبهه‌ای برای من نیست که این زیارت از امام هادی (علیه السلام) است.

«بتقرير صاحب عليه السلام»

و امام زمان هم به این زیارت صحه گذاشته است.

«و أنها أكمل الزيارات و أحسنها»

این زیارت کامل‌ترین زیارات و بهترین زیارات است.

روضۃ المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، نویسنده: مجلسی، محمدتقی بن مقصودعلی، محقق /
مصحح: موسوی کرمانی، حسین و اشتهاردی علی پناه، ج 5، ص 452، باب زیارَةُ جَامِعَةِ لِجَمِیعِ الْأَئِمَّةِ

ع

«زیارت جامعہ کبیرہ»، در حقیقت مدرسه امام شناسی است. همچنین «مرحوم علامہ مجلسی» در کتاب
«بحارالانوار» جلد 99 وقتی به این زیارت می‌رسد، می‌گوید:

«أصح الزیارات سندا»

این زیارت از نظر سند صحیح‌ترین زیارات است.

«و أعمها موردا»

و از نظر توسعه اعتقادات شیعه گسترده‌ترین زیارات است.

به دیگر سخن هر عقیده‌ای که شیعه در رابطه با اهل بیت دارد، در این زیارت آمده است.

«و أفصحها لفظاً»

و از نظر لفظی فصیح‌ترین زیارات است.

«و أبلغها معنی»

و بلیغ‌ترین زیارات از نظر معناست.

«و أعلاها شأناً»

و از نظر رتبه و مقام بالاترین رتبه را دارد.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 99،

ص 144، باب 8 الزیارات الجامعة آلتی یزار بها کل إمام صلوات الله علیهم

همچنین «مرحوم شیخ حرّ عاملی» صاحب کتاب «وسائل الشیعه» در کتاب «الایقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة» مفصل مطالبی را نقل می‌کند و به صراحت تصریح می‌کند که این زیارت جزو صحیح‌ترین زیارات در رابطه با ائمه اطهار است.

مرحوم «سید شبر» (رضوان الله تعالی علیه) که از فقها، مفسرین و علمای بزرگ ماست، کتابی تحت عنوان «الأنوار اللامعة فی شرح زیارة الجامعة» دارد که در اینجا مفصل می‌گوید: این زیارت جزو صحیح‌ترین زیارات است.

حلاوت، معنویت و لذت غیر قابل وصف، در «زیارت جامعه کبیره»

بنده از عزیزان تقاضا می‌کنم قدر این زیارت را بدانند. بنده شاید به صد نفر توصیه کردم این زیارت را بخوانند. بنده سفارش کردم یک شب به نیت امیرالمؤمنین، یک شب به نیت امام حسن، یک شب به نیت امام حسین تا شب دوازدهم به نیت حضرت صاحب الزمان (ارواحنا فداه) این زیارت را بخوانید. با این ختم، عنایات خوب معنوی از طرف اهل بیت به شما هدیه می‌دهند.

از میان صد نفر، نود و پنج نفر به من گفتند که وقتی شروع به خواندن این زیارت کردیم، در اولین دوره، عنایاتی از اهل بیت شامل حال ما شد؛ حال در بیداری یا خواب صادق یا هرچه که بوده است.

خداوند مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی را بیامرزد. بنده هرگاه خدمت ایشان می‌رسیدم، ایشان به من توصیه می‌کردند که جان شما و جان زیارت جامعه کبیره. مبادا زیارت جامعه کبیره را ترک کنید. هر روز یا اگر نتوانستید هفته‌ای یک بار آن را بخوانید!

بنده بارها هم گفتم و با کمال افتخار عرض می‌کنم که بنده از پانزده سالگی بر خودم نذر کردم و واجب کردم مثل نماز صبح هر روز زیارت جامعه کبیره را بخوانم. بنده همچنین به خانواده و نوه‌های خودم توصیه کردم که هر روز زیارت جامعه کبیره را بخوانند.

اصلاً زیارت جامعه کبیره برای انسان معنویت می‌آورد و اعتقادات انسان را قوی می‌کند. کسی که خواندن زیارت جامعه کبیره را ادامه بدهد، قطعاً بی ایمان از دنیا نخواهد رفت.

در آخرین لحظه حیات، که شیطان تلاش می‌کند ایمان ما را متزلزل کند، اهل بیت (علیهم السلام) به داد انسان می‌رسند و در آن شک و شبهه‌ای نیست. این در حقیقت عقیده ما در رابطه با زیارت جامعه کبیره است.

مجری:

خیلی ممنونم. «شبکه جهانی ولی عصر» هم این افتخار را دارد که هر شب بعد از برنامه‌های زنده و برنامه‌ای که ما الآن در خدمت بینندگان هستیم و از آن استفاده می‌کنیم، زیارت جامعه کبیره پخش می‌شود.

بینندگان می‌توانند خیلی راحت همراه با «شبکه جهانی ولی عصر» روزی یک بار زیارت را بخوانند. یا همچنین اگر هفته‌ای یک بار این برنامه را ببینند، همراه با آن این زیارت را بخوانند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله، به طور کلی زیارت یک ربع یا بیست دقیقه بیشتر طول نمی‌کشد. اصلاً مفاهیمی در این زیارت هست که انسان واقعاً لذت می‌برد و روحش پرواز می‌کند.

این زیارت، یک شیرینی دارد که گاهی اوقات برای من شبهه ایجاد می‌شود که وقتی زیارت جامعه کبیره را می‌خوانم، قربه‌ای الله می‌خوانم یا به خاطر شیرینی و لذتی که این زیارت دارد آن را می‌خوانم. گاهی اوقات می‌ترسم که قربه‌ای الله من ضرر بزند.

نقل شده است که آیت الله احمد خوانساری وصیت کرده بود تمام نمازهای عمرش را قضا کنند. اطرافیان به ایشان گفته بودند شما که نماز قضا ندارید.

ایشان در جواب گفته بود: من از نماز به قدری لذت می‌بردم و به قدری برایم شیرین بود که وقتی نماز صبح را می‌خواندم لحظه شماری می‌کردم تا ظهر شود و نماز ظهر را بخوانم؛ می‌ترسم خدای نکرده در اخلاص من خدشه وارد شود که به خاطر این لذتی که از نمازم می‌برم، آن را می‌خوانم. لذا طبق وصیت ایشان، تمام نمازهای عمرشان را قضا کردند.

امام زین العابدین (سلام الله علیه) فرمود:

«إِلَهِي مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَزَامَ مِنْكَ بَدَلًا»

خدایا چه کسی است که لذت محبت تو را بچشد و به غیر از تو دل ببندد.

زاد المعاد- مفتاح الجنان، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: اعلمی،

علاءالدین، ص 412، باب المناجاة التاسعة: مناجاة المحبتين

مشکل ما این است که به قدری آلوده به دنیا و اسیر نفس شدیم و درگیر گناه و معصیت شدیم که هنوز آن معنویتی که از نماز و دعاهایمان باید ببریم، را نمی‌بریم. لذتی که اهل بیت (علیهم السلام) از نماز خواندن می‌بردند را ما نمی‌بریم.

بنده معتقدم اولیاء خداوند از یک رکعت نمازشان به اندازه میلیاردها سال سلاطینی که بالاترین قدرت را در کره زمین داشتند و لذت می‌بردند، بیش از آنها لذت می‌بردند.

اصلاً حرف زدن با خداوند عالم، خالق آسمان‌ها و زمین، خالق ملائکه و انبیاء و کسی که دین و دنیا و آخرت ما دست اوست که به ما اجازه داده است در محضر او بگوییم:

(إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ)

(پروردگارا!) تنها ترا می‌پرستیم، و تنها از تو یاری می‌جوئیم.

(اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ)

ما را به راه راست هدایت فرما.

سوره فاتحه (1): آیات 5 و 6

یا مستقیم «یا الله» بگوییم، بالاترین سعادت است که نصیب ما مخصوصاً مسلمانان شده است. در اینجا حرف خیلی زیاد است؛ من به همین مقدار اکتفا می‌کنم.

مجری:

حاج آقا از شما خیلی ممنونم. اگر اجازه هست میان برنامه‌ای ببینیم، سپس در فقرات خاصی از زیارت جامعه کبیره تمرکز کنیم و مباحث آنجا ادامه پیدا کند. میان برنامه‌ای ببینیم، برمی‌گردیم و در خدمت شما هستیم.

اللهم صل علی محمد و آل محمد لاسیما امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام)

همچنان با «برنامه حبل المتین» از «شبکه جهانی ولی عصر» در خدمت شما هستیم و ان شاء الله همانطور که قبل از میان برنامه هم در خدمت شما بودیم و ملاحظه فرمودید، از محضر استاد گرانقدر حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی بهره مند می‌شویم.

استاد خسته نباشید. تا اینجا در برنامه بسیار از مطالب شما استفاده کردیم و واقعاً فضای زیبایی را برای ما ترسیم کردید.

ان شاءالله خداوند نور هدایت را به همگان عطا کند، مخصوصاً وهابی ها. به فرموده شما ما که بخیل نیستیم. حال اینکه چگونه از این نور بهره مند شوند، به عنایت الهی است. اگر خداوند متعال به آنها توفیق داد، دارای این نور خواهند شد. امیدواریم که نور علم و درک و عقل در این افراد زیاد شود.

نمی توانیم قبول کنیم که حق فقط با «علی بن ابیطالب» است!!

بحثی که این افراد مطرح می کنند این است که می گویند ما نتوانستیم برخی از این فقرات «زیارت جامعه کبیره» را درک کنیم. یکی از آن فقرات زیبایی بحث:

«وَ الْحَقُّ مَعَكُمْ وَ فِيكُمْ وَ مِنْكُمْ وَ إِلَيْكُمْ»

هست. وهابیت می گویند که ما نمی توانیم این فراز را هضم کنیم. پاسخ شما به این افراد چیست؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

این افراد راست می گویند، واقعاً برایشان خیلی سخت است. حق فقط در خانه علی است. حق از در خانه علی بیرون می آید.

وهابیت وقتی این فرازها را در زیارت جامعه کبیره می بینند، بسیار برایشان عجیب است و می گویند: مگر امکان دارد که دیگران حق نباشند و تنها علی بن ابی طالب حق باشد؟! بنده اولاً به آقایان توصیه می کنم روایاتی که در خصوص:

«علی مع الحق والحق مع علی ولن يتفرقا حتى يردا علی الحوض يوم القيامة»

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمثال، اسم المؤلف: أبی القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی، دار النشر: دار الفكر - بیروت - 1995، تحقیق: محب الدین

أبی سعید عمر بن غرامة العمری، ج 42، ص 449

هست را خوب ببینند. این روایت در کتاب‌های اهل سنت با سندهای صحیح بیان شده است.

آیا رسول اکرم این روایت را در حق خلیفه اول، خلیفه دوم، خلیفه سوم، معاویه یا دیگر صحابه فرموده است؟! آیا پیغمبر اکرم این روایت را در حق «ابوذر» یا «سلمان» فرموده است؟! وهابیت باید این روایات را قدری بررسی کنند.

«ابن حجر عسقلانی» یکی از علمای بزرگ اهل سنت است که اگر بگوییم برای وهابیت همانند بُت هست، مبالغه نکرده‌ایم. حرف‌های «ابن حجر عسقلانی» برای علمای اهل سنت و وهابیت فصل الخطاب است.

ایشان در کتاب «المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانية» جلد 16 صفحه 147 نقل می‌کند که رسول اکرم در جمع مهاجرین و انصار آمدند و تعدادی از مهاجرین و انصار هم آنجا حضور داشتند. حضرت فرمودند:

«أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخِيَارِكُمْ؟»

به شما بگویم که بهترین شما چه کسانی هستند؟

حضرت مشغول صحبت بودند؛

«وَمَرَّ عَلَيَّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»

در این هنگام امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) از آنجا عبور کردند. حضرت فرمودند:

«الْحَقُّ مَعَ ذَا، الْحَقُّ مَعَ ذَا»

حق با این مرد است، حق با این مرد است.

المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانية، المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلانی (المتوفى: 852 هـ)، المحقق: (17) رسالة علمية قدمت لجامعة الإمام محمد بن سعود،

تنسيق: د. سعد بن ناصر بن عبد العزيز الشثري، الناشر: دار العاصمة، دار الغيث - السعودية، الطبعة:

الأولى، 1419 هـ ج 16، ص 147، ح 3945

ببینید این که حرف ما نیست، بلکه حرف حضرات اهل سنت است. «ابویعلی» متوفای 307 هجری است.

ایشان در کتاب «مسند» خود جلد 2 بازهم می‌نویسد:

«الحق مع ذا الحق مع ذا»

مسند أبی یعلی، الکتاب: مسند أبی یعلی، المؤلف: أحمد بن علی بن المثنی أبو یعلی الموصلی التمیمی،

الناشر: دار المأمون للتراث - دمشق، الطبعة الأولى، 1404 - 1984، تحقیق: حسین سلیم أسد، ج 2،

ص 318، ح 1052

«هیثمی» همین روایت را می‌آورد و می‌نویسد:

«رواه أبو یعلی ورجاله ثقات»

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، اسم المؤلف: علی بن أبی بکر الهیثمی، دار النشر: دار الریان للتراث/دار

الکتاب العربی - القاهرة، بیروت - 1407، ج 7، ص 234، باب فیما کان فی الجمل وصفین وغیرهما

این روایت از نظر توثیقی صددرصد صحیح است. همچنین از «أم سلمه» روایت جالبی نقل شده است. «حاکم

نیشابوری» در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» جلد 3 تعبیری دارد که وقتی امیرالمؤمنین می‌خواست به

بصره برای جنگ جمل برود، آمد تا از «أم سلمه» خداحافظی کند. «ام سلمه» گفت:

«فقال سر فی حفظ الله وفی کنفه»

أم سلمه عرضه داشت: یا علی در حفظ خدا و در کف خدا باشی.

آن بزرگوار هم أم المؤمنین است. أم المؤمنین تنها منحصر به عایشه نیست. «أم سلمه» أم المؤمنین است. اگر شما می گوید که سنت پیغمبر اکرم حق است و سنت صحابه هم همانند سنت پیغمبر اکرم است، این هم سنت صحابه است.

«فوالله إنك لعلی الحق والحق معك»

به خدا سوگند حق با توست و تو با حق.

«ولولا أنى أكره أن أعصى الله ورسوله فإنه أمرنا أن نقر فى بيوتنا لسرت معك»

به خدا سوگند اگر آیه قرآن نبود که به ما دستور داد همسران پیغمبر در خانه‌های خود بنشینند، من همراه و در رکاب تو می‌آمدم.

این روایت خیلی معنا دارد. کسانی که برای جنگ جمل رفتند، واضح و روشن است با این آیه قرآن کریم مخالف بودند!!

«ولكن والله لأرسلن معك من هو أفضل عندى وأعز على من نفسى ابنى عمر»

اما پسری دارم که به خدا سوگند عزیزترین افراد من و افضل از همه نزد من هست. او را در رکاب تو می‌فرستم.

حاکم نیشابوری در ادامه می نویسد:

«هذه الأحاديث الثلاثة كلها صحيحة على شرط الشيخين ولم يخرجاه»

تمامی این سه روایات صحیح است و شرایط صحیح بخاری و صحیح مسلم را دارد.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج 3، ص 129، ح 4611

جالب اینجاست که «ذهبی» هم می‌گوید که شرایط «بخاری» و «مسلم» در این روایات هست. اگر بناست اینطور باشد، پیغمبر اکرم می‌فرماید: حق با علی است. «أم سلمه» می‌فرماید: والله حق با علی است و علی با حق است. «طبرانی» از «أم سلمه» نقل می‌کند و می‌نویسد:

«عَلِيٌّ عَلَى الْحَقِّ»

علی با حق است.

«فَمَنْ اتَّبَعَهُ اتَّبَعَ الْحَقَّ»

هرکسی از علی تبعیت کند، از حق تبعیت کرده است.

«وَمَنْ تَرَكَهُ تَرَكَ الْحَقَّ»

هرکسی علی را ترک کند، حق را ترک کرده است.

«عَهْدٌ مَّعْهُودٌ قَبْلَ مَوْتِهِ»

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء - الموصل - 1404 - 1983، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج 23، ص 395، ح

جالب اینجاست که «حاکم نیشابوری» در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» روایتی را می‌آورد که «ذهبی» می‌گوید روایت صحیح است.

«علی مع القرآن والقرآن مع علی»

علی با قرآن است و قرآن با علی است.

«لن یتفرقا حتی یردا علی الحوض»

این‌ها از همدیگر جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض کوثر به من ملحق شوند.

پس بنابراین وقتی ما در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: «وَ الْحَقُّ مَعَكُمْ وَ فِیْكُمْ وَ مِنْكُمْ وَ إِلَیْكُمْ»، همین مطالبی است که شما در کتب خود آوردید. قرآن حق است یا نیست؟ پیغمبر اکرم فرمود:

«علی مع القرآن والقرآن مع علی لن یتفرقا حتی یردا علی الحوض هذا حدیث صحیح الإسناد»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر:

دار الکتب العلمیة - بیروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج

3، ص 134، ح 4628

آقای «ذهبی» هم در کتاب «تلخیص» گفته است که روایت صحیح است. «ابوسعید» هم ثقه است. از این بهتر و واضح‌تر بیان کنیم؟

این روایات در کتب شیعه هم آمده است تا آقایان ادعا نکنند که این روایات را تنها از کتب ما می‌آورید. در کتاب «کمال الدین» اثر «شیخ صدوق» آمده است که امیرالمؤمنین فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى طَهَّرَنَا وَ عَصَمَنَا وَ جَعَلَنَا شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ وَ حُجَجاً فِي أَرْضِهِ»

خداوند عالم ما را پاک کرده است، معصوم کرده است، شاهد بر اعمال مردم قرار داده است، حجت‌های خدا در زمین قرار داده است.

«وَجَعَلْنَا مَعَ الْقُرْآنِ وَ جَعَلَ الْقُرْآنَ مَعَنَا»

خدا ما را با قرآن قرار داده است و قرآن را هم با ما قرار داده است.

«لَا نُفَارِقُهُ وَ لَا يَفَارِقُنَا»

ما هرگز از قرآن جدا نمی‌شویم و قرآن هم از ما جدا نمی‌شود.

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج

1، ص 240، ح 63

وقتی این مباحث مطرح است، معنایی دارد که ما بگوییم: «وَالْحَقُّ مَعَكُمْ وَ فِيكُمْ وَ مِنْكُمْ وَ إِلَيْكُمْ» غلو هست؟! چرا این حرف‌ها را می‌زنید؟!

چرا ائمه جمعه اهل سنت این روایات را در خطبه‌ها مطرح نمی‌کنند؟

وهابیت یا جاهل هستند و از متون کتب خود خبر ندارند و یا خبر دارند و با امیرالمؤمنین عناد دارند! این مطالب را هم برای مردم بگویید.

من ندیدم ائمه جمعه بزرگوار اهل سنت این روایات را در خطبه‌های نماز جمعه خود مطرح کنند. چرا این روایات را مطرح نمی‌کنند؟ آیا این حدیث پیغمبر اکرم نیست؟ وهابی‌ها چرا این روایات را مطرح نمی‌کنند؟

آن‌ها باید این روایات را بیان کنند و به آن پاسخ بدهند. حداقل من بیش از چهل روایت در کتب اهل سنت در رابطه روایت:

«الْحَقُّ مِنْ بَعْدِي مَعَ عَلِيٍّ وَ عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ يَدُوُّ الْحَقُّ مَعَهُ حَيْثُمَا دَارَ»

علی با حق است و حق با علی است. حق همواره گرداگرد علی می‌چرخد.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 31،

ص 376، ح 24

می‌آورم. این روایت به این معناست که هرکجا امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) برود، حق هم با او می‌رود.

اگر چنین مطالبی در رابطه با خلیفه اول گفته شده بود، اهل سنت چکار می‌کردند؟! بنده یک مرتبه با چند تن از جوانان دانشجوی دانشگاه أم القرى کنار بیت الله الحرام بحث می‌کردیم.

بنده به آنها گفتم: من شما را به خدای کعبه سوگند می‌دهم. سؤالی می‌پرسم، اما تقاضا دارم به من درست پاسخ بدهید. اگر در تاریخ نوشته شده بود که ابوبکر در مکه متولد شده است. شما چکار می‌کردید؟

یکی از آنها گفت: ما این جمله را با طلا می‌نوشتیم و اطراف بیت الله الحرام آویزان می‌کردیم!! من گفتم: خدا حق را به زبان شما جاری کرد.

عزیزان شما این مباحث را نگاه کنید. بنده همیشه می‌گویم و تأکید دارم مطالبی که در رابطه با فضائل صحابه و خلفا درست کردند، همگی دست پخت دودمان بنی امیه و بنی عباس است.

اگر این روایت‌ها بود، «ابو عبیده جراح» یکی از این روایت‌ها را می‌گفت. خلیفه دوم عمر بن خطاب این روایات را می‌گفت. ابوبکر به این روایات استدلال می‌کرد. وقتی که عمر را به عنوان خلیفه معین کردند. مردم

اعتراض کردند و گفتند:

«أستخلف علينا فظا غليظا فلو ملكنا كان أفظ وأغلظ ماذا تقول لربك إذا أتيته وقد استخلفته علينا»

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي، دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض - 1409، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج 6، ص 358، ح

32013

اگر ابوبکر یکی از این روایات را می‌خواند، همه صحابه آرام می‌شدند. بنابراین معلوم می‌شود که این روایات سابقه ندارد.

اصلاً ابوبکر در طول دو سال خلافت خود یکی از این فضائل را در بالای منبر گفته است؟ جناب آقای عمر بن خطاب در طول دوازده سال خلافت خود یکی از این فضائل را از قول پیغمبر اکرم نقل کرده است؟

این در حالی است که امیرالمؤمنین در زمان حیات پیغمبر اکرم این روایت را در فضیلت خود آورده است. حضرت این روایات را در زمان خلافت خلفا مطرح می‌کردند. همچنین زمانی که حضرت به خلافت رسیدند، تک تک این فضائل را بالای منابر برای مردم گفته است.

آفتاب آمد دلیل آفتاب! وقتی این قضیه روشن است و انسان می‌تواند این چنین مقایسه کند، دیگر چرا بگویند که نمی‌توانیم تشخیص دهیم حق چیست یا علمای ما این چنین گفتند.

مجری:

حاج آقا یک تماس داریم، اگر اجازه بدهید وصل کنیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

من در خدمت شما هستم.

مجری:

دوست عزیزمان آقای امیر محمد پشت خط هستند. سلام، وقت شما بخیر امیر محمد عزیز. در خدمت شما هستیم.

تماس بینندگان برنامه:

بیننده (امیر محمد از قزوین - شیعه):

اعوذ بالله من الشیطان اللعین الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولاية مولانا و مقتدانا أسد الله الغالب علی بن أبی طالب و الأئمة المعصومین (علیهم السلام)

عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت استاد معظم و بزرگوار حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی عزیز و مجری عزیز برنامه.

بسیار مشعوف و خرسند شدیم که دوباره از طریق «شبکه جهانی ولی عصر» چهره نورانی حضرت استاد طوطیای چشم ما شد و چشمان ما را نوازش داد.

بنده در گذشته به عنوان کوچکترین بیننده یا شاید شاگرد توفیق داشتم در محضر حضرت استاد و دیگر اساتید بزرگوار کسب فیض کنم، تا جایی که تأثیر شما بر ما مؤثر واقع شد که حتی شبکه‌های وهابی هم از برادر کوچکتر بنده هم گریزان شدند.

حاج آقا بنده فقط خواستم اعلام حضور کنم و اینکه یکی از روایات «الحق مع ذا» را از یکی از کتب اهل سنت بخوانم و خدمت شما اعلام حضور کرده باشم.

«ابو یعلی موصلی» در کتاب «مسند» خود جلد 2 صفحه 318 حدیث 1052 از «ابو سعید» نقل می‌کند که ما به همراه تعدادی از مهاجران و انصار در کنار خانه رسول الله بودیم.

آن حضرت خارج شدند و فرمودند: آیا به شما خبر دهم که چه کسی بهترین شماس است؟ ما گفتیم: بله یا رسول الله.

حضرت فرمودند: بهترین شما کسی است که به عهد خود وفا کند، از بوی خوش استفاده کند. خداوند انسانی را که در جای مخفی تقوا را رعایت کند دوست می‌دارد.

در همین زمان علی بن ابی طالب از آنجا گذشت. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«الحق مع ذا الحق مع ذا»

حق با اوست، حق با اوست.

مسند ابی یعلی، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن المثنی أبو یعلی الموصلی التمیمی، دار النشر: دار المأمون للتراث - دمشق - 1404 - 1984، الطبعة: الأولى، تحقیق: حسین سلیم أسد، ج 2، ص 318،

ح 1052

حضرت استاد اگر امری هست بنده در خدمت هستم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

احسنت، احسنت، احسنت. ایشان در «شبهه جهانی ولایت» هم در گذشته جزو بهترین بیننده‌ها و بهترین غنچه‌های ولایت ما بودند.

شبهه‌های وهابی از ترس، تلفن‌های این دوستان ما را وصل نمی‌کنند. همچنین اگر هم وصل کنند، می‌دانند که اینها شیر بچه‌هایی هستند که اگر با قوی‌ترین کارشناسان وهابی گفتگو کنند در همان لحظات اول آنها را ضربه فنی می‌کنند.

ما برای حضرتعالی و اخوی و والدینتان از خداوند عالم توفیق روزافزون طلب می‌کنیم. امیدواریم خداوند شما و دیگر عزیزانی که در مسیر اهل‌بیت هستند را از یاران حضرت ولی عصر قرار بدهد، ان شاءالله.

مجری:

خیلی متشکرم از تماس امیر محمد عزیز با برنامه و این که بالاخره دیده‌ها تازه روشن گردید و توانستند با استاد صحبت کنند.

بخشی از پیامک‌های بینندگان برنامه:

دوست عزیزی با شماره «8013---0912» از طریق واتس آپ سؤالی برای ما ارسال کردند و گفتند: تعداد احادیثی که در کتب اربعه ما هست بیشتر است یا احادیثی که در صحاح سته معروف اهل سنت است؟

مقایسه احادیث صحاح سته اهل سنت با کتب اربعه شیعه!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بنده به این دوست عزیزمان توصیه می‌کنم از اینترنت کتاب «جامع الأحادیث» اثر «ابن اثیر جزری» را دانلود کنند.

در کتاب «جامع الأحادیث» تمامی روایات کتب صحاح سته را جمع آوری کرده است و مکررات آن را حذف کرده است.

به عنوان مثال کتاب «صحيح بخاری» نزدیک به هفت هزار روایت دارد که بعد از حذف مکررات به دو هزار و هفتصد روایت رسیده است. این کتاب یک روایت را بیست یا سی مرتبه تکرار کرده است.

«ابن اثیر» صحاح سته را در کتاب «جامع الأحادیث» جمع آوری کرده است. نسخه‌ای که بنده از این کتاب دارم دوازده جلد است.

«ابن اثیر» تمامی روایات صحاح سته را جمع آوری و حذف مکررات کرده که به تعداد نُه هزار و نهصد روایت رسیده است. با این حساب تمامی روایات کتب صحاح سته به ده هزار روایت نمی‌رسد.

در مقابل تنها کتاب «کافی» ما شیعیان که اولین کتب اربعه ماست، شانزده هزار و صد و شصت و شش روایت دارد. به عبارت دیگر تنها کتاب کافی یک و نیم برابر کتب صحاح سته روایت دارد. از اینجا پی توان بردن که در دریا چه طوفان است!

«مرحوم شیخ حر عاملی» تمام روایات کتب اربعه و دیگر کتاب‌هایی که مرتبط بود را جمع آوری کرده است، مکررات را حذف کرده است و به بیش از سی و پنج هزار روایت رسیده است.

«مرحوم نوری» در کتاب «مستدرک الوسائل» روایاتی که از چشم «شیخ حرّ عاملی» مخفی مانده را در این کتاب جمع آوری کرده است که به حدود بیست و دو هزار روایت رسیده است.

این دو کتاب «وسائل الشیعه» و «مستدرک الوسائل» نزدیک به پنجاه و پنج هزار روایت را در خود جای داده‌اند.

مقایسه اعتبار سنت پیامبر در مکتب اهل بیت و مکتب سقیفه!

بنده به اهل سنت توصیه‌ای می‌کنم و اگر فرصتی شود بیشتر روی این قضیه کار می‌کنیم. ما باید "مقایسه سنت از منظر اهل بیت و منظر غیر اهل بیت" را انجام دهیم تا ببینیم اهل بیت برای سنت پیغمبر اکرم چه قدر ارزش قائل بودند و غیر اهل بیت برای سنت پیغمبر اکرم چه قدر ارزش قائل بودند.

ما آماری حرف می‌زنیم. بنده تمامی این آمارها را استخراج کردم. ان شاء الله در جلسه بعد اگر توفیق داشتم و یادتان بود، یادآوری کنید تا پیرامون "مقایسه سنت در مکتب اهل بیت و مکتب غیر اهل بیت" بحث کنیم.

حال ما نامی از اهل سنت یا وهابیت نمی‌بریم و تنها غیر اهلبیت می‌گوییم. باید ببینیم چه کسانی بودند دستور دادند سنت پیغمبر اکرم را بسوزانند؟ چه کسانی بودند دستور دادند کسی حق ندارد از پیغمبر اکرم روایت نقل کند؟

چه کسانی بودند که به خاطر نقل سنت پیغمبر اکرم صحابه را شلاق می‌زدند؟ چه کسانی بودند که به خاطر نقل سنت پیغمبر اکرم صحابه را زندان انداختند؟

شما مشاهده کنید در این عصر امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بالای منبر فریاد می‌زند:

«إِذَا حَدَّثْتُمْ بِحَدِيثٍ فَأَسْنِدُوهُ إِلَى الَّذِي حَدَّثَكُمْ فَإِنْ كَانَ حَقًّا فَلَكُمْ وَإِنْ كَانَ كَذِبًا فَعَلَيْهِ»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 1، ص 52، ح 7

حضرت به صراحت می‌فرمایند: زمانی که حدیث نقل می‌کنید، سند آن را نقل کنید. زمانی که روایت نقل می‌کنید، تعقل و درایت کنید.

«هِمَّةُ الشُّفَهَاءِ الرَّوَايَةُ وَ هِمَّةُ الْعُلَمَاءِ الدَّرَايَةُ»

همت سفیهان به روایت نقل کردن است و همت عالمان به بررسی سندی است.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 2، ص 160، ح 13

تحقیق کنید امام صادق چکار کردند. امام باقر چکار کردند. «مرحوم شیخ حرّ عاملی» در آخر کتاب «وسائل» فایده چهاردهم می‌نویسد: از زمان امیرالمؤمنین تا زمان امام حسن عسکری اصحاب ائمه اطهار شش هزار و ششصد کتاب از احادیث آن بزرگواران تألیف کردند!

این افتخار ماست. ما به این می‌بالیم. به ما بفرمایید که قضیه چه بوده است. یکی از مسائلی که بسیار ظریف است و ما از آن غفلت کردیم، این بود که ما از برهان مقایسه استفاده نمی‌کنیم. قرآن کریم روی این مسئله بسیار تکیه دارد؛

(هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَغْلُمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَغْلُمُونَ)

آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر (39): آیه 9

و:

(هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ)

ظلمت‌ها و نور برابرند؟

سوره رعد (13): آیه 16

برهان مقایسه، برهان بسیار زیبایی است. ما باید این دو مکتب را در دو کفه ترازو بگذاریم و با همدیگر مقایسه کنیم. این طرف میز غیر اهل بیت و آن طرف میز اهل بیت را بگذاریم و بگوییم کدام را می‌خواهید انتخاب کنید!

(فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ)

وهابیت در شبکه‌های ماهواره ای خود هر روز کفر شیعه، قتل شیعه و مسائل دیگر را مطرح می‌کنند.

عرض کردم زیارت جامعه کبیره سندا، متناً، لفظاً و معنأً افتخار شیعه است و ما تکلیف داریم از این زیارت در برابر وهابیت و بعضی از اهل سنت و ورشکستگان سیاسی و فراری‌هایی که از نظام جمهوری اسلامی عقده دارند، دفاع کنیم.

این افراد به دلیل اینکه از نظام جمهوری اسلامی عقده دارند، عقده خود را با توهین به اهل بیت جبران می‌کنند. بنده در مناظره‌ای که با آقای «عابدینی» در اصفهان» داشتم، به او گفتم: شما که با ولایت فقیه مشکل دارید، مرد و مردانه بگویید که من ولایت فقیه را قبول ندارم.

شما ولایت امیرالمؤمنین را زیر سؤال می‌برید، ولایت پیغمبر اکرم را زیر سؤال می‌برید، ولایت ائمه اطهار را زیر سؤال می‌برید و در نهایت ادعا می‌کنید که وقتی ولایت علی بن ابی طالب و پیغمبر اکرم ثابت نشد ولایت فقیه هم ثابت نیست!!

بنده به او گفتم: مرد باشید. اگر واقعاً از این قضیه ضربه خوردید، دیگر به سراغ ائمه اطهار نروید.

شما که ادعا می‌کنید پیغمبر اکرم ولایت سیاسی نداشت و حکومت سیاسی نداشت، یک روایت ضعیف برای من بیاورید که پیغمبر اکرم و ائمه اطهار فرموده باشند ما ولایت سیاسی نداریم!! ایشان در جواب معطل مانده بود که چکار کند.

این افراد در میدان خالی شروع به شعار دادن می‌کنند و یک سری حرف‌هایی می‌زنند که ریشه و اساس ندارد. این افراد به دلیل اینکه ورشکسته شدند، عقده دیده‌اند یا یک ضربه خورده‌اند می‌خواهند از ائمه اطهار (علیهم السلام) انتقام بگیرند. این افراد باید بدانند که با دُم شیر نمی‌شود بازی کرد!

مجری:

حاج آقا از شما بسیار متشکرم. متأسفانه وقت هم تمام شد. ان شاءالله بتوانیم در هفته‌های آتی هم از حضرتعالی استفاده کنیم. مباحث زیاد هست.

ان شاءالله بتوانیم در جلسات بعد بیشتر در خدمت شما باشیم و از حضرتعالی بیشتر استفاده کنیم و برای بینندگان مباحث خوبی را ارائه کنیم.

از وقتی که گذاشتید و انرژی که برای ما مصرف کردید، تشکر می‌کنم. ان شاءالله بتوانیم در جلسات بعد هم همینقدر پر انرژی در خدمت شما باشیم.

از همه شما بینندگان تشکر می‌کنم، خصوصاً دوستانی که با ما تماس گرفتند و دوستانی که نشد با آنها صحبت کنیم. بنده از این خاطر عذر خواهی می‌کنم.

ان شاءالله در جلسات آینده بتوانیم با همه شما عزیزانی که دوست دارید صدایتان را بشنویم صحبت کنیم. شما بینندگان عزیز از طریق اسکایپ به صورت تصویری می‌توانید وارد شوید و از آن طریق هم در برنامه شرکت کنید.

بیشتر از این وقت شما را نگیریم. از همه شما عزیزان التماس دعا داریم. در این ماه‌های مبارک ذی القعدة و ذی الحجة که اعمال خوبی هم دارد، ما را از دعای خیر خودتان محروم نکنید. به توصیه حاج آقا زیارت جامعه کبیره را بعد از این برنامه گوش کنید.

خدانگهدار

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته